

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۲۰۳
شماره ۲



۱۳۸۰ / ۱۰ / ۲۶

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

کتابخانه مرکزی
دانشگاه امام صادق (ع)

رساله دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)

حق حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی صباغیان

015728

استاد راهنما:

۲۸۷۵۷

دکتر حجت الله ایوبی

زمستان ۱۳۷۹



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

رساله دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)

حق حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی صباغیان

استاد راهنما:

دکتر حجت‌الله ایوبی

استاد مشاور:

دکتر حسین بشیریه

دکتر حسین مهرپور

زمستان ۱۳۷۹

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه،
اقتباس و... از این رساله دکتری برای دانشگاه امام
صادق علیه السلام محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع
است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای علی صباغیان به شماره دانشجویی ۷۱۵۰۱۳۸۳۳

تحت عنوان: حق حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می‌کنند.

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استادیار	دکتر حجت‌الله ابوبی	(۱) استاد راهنما:
	استادیار	دکتر حسین بشیریه	(۲) استاد مشاور:
	دانشیار	دکتر حسین مهرپور	(۳) استاد مشاور:
			(۴) نماینده شورای
	استادیار	دکتر ناصر جمالزاده	تحصیلات تکمیلی دانشکده:
			(۵) اساتید ناظر:
	دانشیار	دکتر حمید احمدی بهرامی	(۱)
	استادیار	دکتر جلال درخشه	(۲)
	استادیار	دکتر محمد جواد صفار	(۳)
	استادیار	دکتر محمدرضا مجیدی	(۴)

چکیده:

بحث این رساله این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است در تبیین نظام سیاسی جمهوری اسلامی حاکمیت مردم را در طول حاکمیت خدا به رسمیت شناخته و بدین ترتیب به نوعی تلفیق بین نظریه حاکمیت الهی و نظریه حاکمیت مردم که طی قرنهای متمادی هرکدام به تنهایی توجیه‌گر مشروعیت نظام‌های سیاسی مختلف بوده‌اند، دست یازیده است. جمع بین این دو نظریه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر عوامل و شرایطی همچون نوع نظامی که این قانون در صدد تبیین ساختارهای آن بوده است، میراث دموکراتیک برجای مانده از انقلاب مشروطیت ایران و گفتمانهای جمهوریخواهی و اسلامخواهی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محورهای دموکراتیک خود را که روح حاکمیت مردم در آن ساری و جاری است بر مبنای آموزه‌های اسلامی و عقلی بنا کرده است. این قانون ظهور و تجلی حاکمیت مردم را در شیوه انتخابات از جمله انتخاب رهبر در یک انتخابات دو درجه‌ای توسط خبرگان منتخب مردم، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخاب اعضای شوراهای مورد پذیرش قرار داده است. برای این که انتخابات مفهوم واقعی خود را داشته باشد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عواملی چون برابری حقوقی شهروندان و آزادیهای مختلف از جمله آزادی احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات و نیز نظارت همگانی را به عنوان عوامل زمینه‌ساز تحقق حاکمیت مردم مورد توجه جدی قرار داده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش حاکمیت مردم در طول حاکمیت خدا و موکول کردن امر انتخاب رهبر بر عهده خبرگان منتخب مردم در واقع نهاد ولایت فقیه را از یک نهاد سنتی مبتنی بر شیوه نصب به یک نهاد مدرن مبتنی بر انتخاب مردم تبدیل کرده است. این نگرش قانون اساسی به حاکمیت مردم و نهاد ولایت فقیه موجب گشته در عرصه عمل بین دیدگاه قانون اساسی و نظریات موجود در باره ولایت فقیه از جمله دو نظریه عمده «ولایت فقیه انتصابی» و «ولایت فقیه انتخابی» از برخی جهات ناسازگار بهای مشاهده گردد.

کلید واژه:

قانون اساسی - حاکمیت مردم - ولایت فقیه - دموکراسی - آزادی - اسلام - حقوق اساسی - مشروطیت - انتخابات - رأی - جمهوری - نظام سیاسی

الخلاصة:

بحث هذه الأطروحة بأن دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية الذي يبين مؤسسات الثقافية و الاجتماعية والسياسية والاقتصادية في المجتمع الإيراني على أساس الأصول والضوابط الإسلامية يعترف في بيان النظام السياسي في جمهوري الإسلامى حاكمية الشعب في طول حاكمية الله. و على هذا حصل على نوع من التنسيق بين نظرية حاكمية الله و نظرية حاكمية الشعب التي كانت تبرر شرعية انظمه السياسة المختلفه في قرون الماضيه على حد سواء. و يتم الجمع بين هاتين النظريتين في دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية تحت تأثير اسباب و ظروف كنوع النظام السياسي الذي كان هذا القانون بصدده تبيين هيكلته و آثار الديمقراطية من الثورة الدستورية في إيران و محاضرات الجمهوري و الإسلامى لثورة الإسلامية الإيرانية. و قد بنى دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية محاور ديمقراطية التي يجرى فيها روح الحاكمية للشعب على مبادئ تعاليم و احكام الإسلامى والعقلى. و قد اعترف هذا القانون ظهور و تبلور حاكمية الشعب في كيفية الانتخابات منها انتخاب القائد في الانتخابات غير مباشره بواسطه اعضاء مجلس الخبراء المنتخب من قبل الشعب و انتخاب رئيس الجمهوريه و انتخاب ممثلى المجلس الشورى و انتخاب اعضاء المجالس البلدية. و من اجل أن تكون للانتخابات مفهومها الحقيقيه اهتم دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية بأسباب ك تساوى حقوق المدنيين والحريات المختلفه منها حرية الاحزاب السياسيه و الحرية الصحف و اشراف الجماعى كأرضيه لتحقيق حاكمية الشعب. دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية مع قبول حاكمية الشعب في طول حاكمية الله و ارجاع موضوع انتخاب القائد إلى مجلس الخبراء المنتخب من قبل الشعب تُبدل مؤسسه ولاية الفقيه من مؤسسه التقليديه مبنى على تعيين القائد إلى مؤسسه الحديثه مبنى على انتخاب الشعب. هذا النوع من نظريه الدستور إلى حاكمية الشعب و مؤسسه الولاية الفقيه سبب عملياً فى بروز بعض التناقضات بين نظريه الدستور والنظريات الموجودة فى موضوع الولاية الفقيه منها نظريتي العمدين تقولان «ولاية الفقيه تعيينى» و «ولاية الفقيه انتخابى».

الكلمات المفتاحيه:

الدستور - حاكمية الشعب - النظام السياسي - الديمقراطية - الحرية - الاسلام - الحقوق

الاساسى - الثورة الدستورية - الانتخابات - الصوت - الجمهوريه - ولاية الفقيه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	نظریه تئوکراتیک یا حاکمیت بامنشأ الهی
۵	نظریه حاکمیت دمکراتیک
۶	رابطه حاکمیت الهی با حاکمیت مردمی
۶	منشأ قدرت و حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی
۱۰	بررسی ادبیات موجود
۱۱	هدف پژوهش
۱۱	فرضیه‌های پژوهش
۱۲	راه و روش مورد نظر برای آزمون فرضیه
۱۲	پیامدهای اثبات فرضیه
۱۳	حدود و نقطه تمرکز تحقیق
۱۳	سازماندهی تحقیق

فصل اول - نظریه‌های حاکمیت

۱۷	۱- تعریف حاکمیت و ویژگیهای آن
۲۲	۲- نظریه حاکمیت تئوکراتیک
۲۳	الف - خودخدا خوانی یا انسان خدایی

- ب - حاکمیت تئوکراتیک در شکل مشیت الهی ۲۴
- ج - نظریه حاکمیت تئوکراتیک در شکل نمایندگان خدا ۲۶
- ۳- نظریه حاکمیت مطلق ۲۷
- ۴- نظریه حاکمیت مردم ۳۳
- ۵- نظریه حاکمیت ملی ۳۶
- ۶- نظریه حاکمیت کثرت گرا ۴۰

فصل دوم - عوامل موثر بر چگونگی شکل گیری نظریه حاکمیت در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- ۱- سیر تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴۴
- ۲- نظریه حاکمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۵۳
- ۳- میراث مشروطیت و تأثیر آن بر حاکمیت مردم در قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران ۶۴
- ۴- جمهوری خواهی انقلاب اسلامی ۷۷
- ۵- اسلام خواهی انقلاب اسلامی ۹۱

فصل سوم - مبانی اسلامی حق حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران

- ۱- اصل خلافت انسان ۱۰۷

- | | |
|-----|-----------------------------------|
| ۱۱۱ | ۲- اصل کرامت انسان |
| ۱۱۳ | ۳- اصل برابری انسانها |
| ۱۱۵ | ۴- اصل آزادی اراده و اختیار |
| ۱۲۱ | ۵- اصل مسئولیت همگانی |
| ۱۲۴ | ۶- اصل امر به معروف و نهی از منکر |
| ۱۲۷ | ۷- اصل شورا |
| ۱۳۳ | ۸- اصل بیعت |
| ۱۳۵ | ۹- اصل نفی سلطه و استبداد |
| ۱۳۷ | ۱۰- خطابه‌های متوجه به جامعه |

فصل چهارم - انتخابات تجلیگاه حق حاکمیت مردم در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران

- | | |
|-----|---|
| ۱۴۲ | ۱- نسبت انتخابات با حاکمیت مردم |
| ۱۴۴ | ۲- مفهوم حق رأی و حقیقت رابطه انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان |
| ۱۵۱ | ۳- انتخابات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران |
| ۱۵۸ | ۴- حاکمیت مردم و انتخاب رهبر |
| ۱۶۵ | ۵- مردم و انتخاب رئیس جمهوری |
| ۱۷۳ | ۶- انتخابات مجلس و اعمال حق حاکمیت مردم |

۱۸۵ ۷- نقش شوراها در تجلی حاکمیت مردم

۱۸۶ ۸- همه‌پرسی و حاکمیت مردم

فصل پنجم - عوامل زمینه‌ساز تحقق حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران

۱۹۲ ۱- برابری حقوقی

۱۹۷ ۲- آزادی

۲۰۴ ۳- قانون اساسی و آزادی احزاب

۲۱۰ ۴- نظارت همگانی

۲۱۵ ۵- آزادی مطبوعات

فصل ششم - ارزیابی حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی در

پرتو نگرش نظریه ولایت فقیه انتصابی

۲۲۵ ۱- تعیین ولی فقیه از سوی خدا

۲۲۶ ۲- رد نظریه ولایت غیر تنصیصی

۲۲۸ ۳- جایگاه رأی مردم و انتخابات در نظریه نصب

۲۳۳ ۴- چگونگی پذیرش نقش مردم به عنوان یک امر ثانوی در نظریه نصب

۲۳۳ الف - به فعلیت رساندن ولایت

- ب - مقبولیت و مبسوط‌الید کردن ولی فقیه ۲۳۵
- ج - تعیین و تشخیص مصداق ۲۳۵
- د - ایجاد پایگاه ملی ۲۳۶
- ه - خروج از بلا تکلیفی ۲۳۶
- و - جلوگیری از بی‌نظمی ۲۳۷
- ز - قبول رأی مردم به عنوان عمل به احتیاط ۲۳۷
- ح - پذیرش رأی مردم برای دفع تهمت استبداد ۲۳۷
- ط - رأی مردم برای کار آمدی حکومت ۲۳۸
- ۵ - نقش مردم در حل مشکل تزاخم ولایت‌ها در نظریه نصب ۲۳۹
- ۶ - نسبت اختیارات ولی فقیه در نظریه نصب با حاکمیت مردم ۲۴۴
- ۷ - فراقانونی بودن ولی فقیه و حاکمیت مردم ۲۴۹
- ۸ - نظریه نصب و نظارت بر ولی فقیه ۲۵۳
- ۹ - مشارکت سیاسی، آزادی و احزاب در نظریه نصب ۲۵۶

فصل هفتم - سنجش حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با

دیدگاه‌های نظریه ولایت فقیه انتخابی

- ۱ - تعیین ولی فقیه با انتخاب مردم ۲۶۳
- ۲ - جایگاه رأی مردم و انتخابات در نظریه انتخاب ۲۶۹

۳- رابطه اختیارات ولی فقیه با حق حاکمیت مردم در نظریه انتخاب ۲۷۶

۴- نسبت حق حاکمیت مردم با اختیارات قانونی ولی فقیه در نظریه انتخاب ۲۸۰

۵- نظارت مردم در نظریه انتخاب ۲۸۲

۶- دیدگاه نظریه انتخاب در باره مشارکت سیاسی، آزادی و فعالیت احزاب ۲۸۳

نتیجه گیری ۲۸۸

فهرست منابع

الف - منابع فارسی ۲۹۴

۱- کتاب ۲۹۴

۲- رساله‌های کارشناسی ارشد و دکترا ۳۰۸

۳- نشریات ۳۱۰

۴- اسناد ۳۱۱

ب - منابع عربی ۳۱۱

۱- کتاب ۳۱۱

۲- مقالات ۳۱۳

ج - منابع انگلیسی ۳۱۵

مقدمه:

یافته‌های انسان‌شناسی بر اصل برابری و آزادی انسانها تاکید دارد. از نقطه نظر انسان‌شناسی، انسان ذاتاً آزادیخواه است به این معنا که وی از ابتدای آفرینش خویش در صدد بوده که تابع هیچ نیروی انسانی مافوق نباشد و هیچکس بر او حکم نراند. این آزادیخواهی و برابری و آزادی انسان امری ذاتی و نه عرضی است و جایگاه آن در درون طبیعت بشر قرار دارد. آموزه‌های دینی و عقلی نیز بر صحت این موضوع تاکید دارد. امام علی (ع) خطاب به انسان می‌فرماید «بنده دیگری مباش زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است». برخی فلاسفه غربی چون جان لاک، روسو و کانت نیز آزادی انسان را با انسانیت او برابر می‌دانند. بر اساس اصل برابری و آزادی هیچکس نمی‌تواند بر هیچکس دیگر سلطه داشته باشد و این همان موضوعی است که از سوی فقها به عنوان «اصل اولی عدم ولایت احدی بر احد دیگر» از آن یاد می‌شود.

از سوی دیگر یافته‌های جامعه‌شناسی براین امر تاکید دارد که انسان موجودی اجتماعی است. آموزه‌های دینی و عقلی نیز بر اجتماعی بودن انسان دلالت دارد. زندگی اجتماعی در ذات انسان نهفته است به طوری که برخی از فلاسفه حتی تصور انسانی که بدون جمع و دور از اجتماعی زندگی کند را غیر ممکن دانسته‌اند. براساس یافته‌های جامعه‌شناسی در پرتو زندگی اجتماعی انسان، نیازهای گوناگونی پیدامی‌شود که برآوردن آنها در سایه اجتماع و تعاون و همکاری امکان‌پذیر است. از سوی دیگر لازمه زندگی اجتماعی انسان وجود برخورد و اصطکاک منافع و خواسته‌های افراد جامعه و تعدی و تجاوز به حقوق یکدیگر است. ادامه حیات بشر نیازمند جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، حفظ مصلحت‌های عمومی و از بین بردن برخورد و نزاع، نظارت بر شئون عمومی مردم و دفاع در برابر تجاوز خارجی و جلوگیری از تخلفات افراد و گروه‌ها می‌باشد. نهادی که این کار ویژه‌ها را در چارچوب زندگی اجتماعی افراد برعهده می‌گیرد حکومت است که عقل و شرع ضرورت وجود آن را امری بدیهی می‌دانند.

حکومت کردن همراه با اعمال قدرت و امر و نهی بردیگران است. بنا براین ضرورت حکومت با اصل اولی برابری و آزادی انسانها در تضاد می‌باشد زیرا با تأسیس دولت رابطه جدیدی ایجاد می‌شود که در دو سوی آن دوگروه فرمانروایان و فرمانبرداران قراردارند. باتوجه به این که تأسیس حکومت خروج از آن اصل اولی آزادی و برابری انسانها و عدم سلطه و ولایت احدی بر احد دیگر است نیازمند دلیل می‌باشد. یعنی دولت برای حکمرانی و امر و نهی بر افراد باید مآذون باشد. از آنجا که اعمال قدرت دولت و ولایت او بر افراد براساس ضرورت اجتماعی ایجاد شده باید اذن چنین ولایتی نیز روشن شود که دراین